

بررسی فضائل و توانمندی‌های منش دانشجویان در رابطه با هوش اخلاقی آنان

نجمه امانی، فرنوش اطمینان، رامانا شهبازفر، ناهید عبادی سالاری، عین الله قنبری نژاد، کبری حاجی علیزاده*

گروه روانشناسی عمومی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

• پست الکترونیک نویسنده مسئول: ph_alizadeh@yahoo.com

• شماره تماس نویسنده مسئول: 09179375764

چکیده

«توانمندی‌های منش» یکی از ابتکارات تازه علم روان‌شناسی مثبت است که در بررسی‌های سلیگمن و پترسون (2004)، با بررسی کل طبقه‌بندی‌های روان‌شناسان از انسان سالم در صد سال اخیر و نیز با مراجعه به هفت سنت معنوی بزرگ در جهان به شش دسته فضیلت طبقه‌بندی شده است: «خرد و دانش، شجاعت، نعدوستی، عدالت، اعتدال و خودتعالی و کمال‌جویی». همچنین، در سال‌های اخیر بحث اخلاق و مبانی اخلاقی با ظهور روان‌شناسی مثبت، نمود بیشتری یافته است. این مبحث در روان‌شناسی با ارزیابی موشکافانه و دقیق با بحث «توانمندی‌های منش و فضائل اخلاقی» پیگیری شده است. اینگونه که مفهوم ظرفیت و توانایی درک مسائل خوب از مسائل بد را «هوش اخلاقی» می‌نامند. هوش اخلاقی یکی از توانمندی‌های مثبت انسان است که توانایی اعمال اصول اخلاقی در اهداف شخصی، ارزش‌ها و فعالیت‌های فردی را دارد. در مقاله حاضر، توانمندی‌های منش در نمونه‌ای از دانشجویان تشریح و رابطه آن با هوش اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: فضایل و توانمندی‌های منش، هوش اخلاقی، دانشجویان.

مقدمه

از زمان شکل‌گیری روان‌شناسی، اغلب پژوهش‌ها و تحقیقات این رشته بر مبنای اختلالات و اثرات آن بر گروه‌ها و جوامع بوده است (ذکایی و کردمیرزانی‌کوزاده، 1394). بدین صورت که براساس نشانگان و ویژگی‌های مشترکی که درباره بیشتر نمونه‌های مورد آزمون در یک اختلال صادق می‌باشد، به نام‌گذاری و طبقه‌بندی آن اختلال می‌پردازد (پورافکاری، 1394). گرایش روان‌شناسان به درمان و تبعیت از مدل پزشکی باعث شد تا روان‌شناسی بر بیماری به عنوان ناتوانی و بیمار به عنوان فردی که توانمندی خود را از دست داده است، تأکید داشته باشد (شهیدی، 1388). درحالی‌که نگرش جدیدی در روان‌شناسی شکل گرفته است که به جای تأکید بر شناسایی و مطالعه کمبودهای روان و کاستی‌های رفتاری و ترمیم یا درمان آنها؛ به شناخت و ارتقاء وجوه مثبت و نقاط قوت انسان تأکید شده است (سعادت‌مند، 1394)؛ و این همان موج سوم در روان‌شناسی¹ است که هدفش مطالعه انسان به منظور دست یافتن به فضایل و قوت‌های نفسانی اوست (سهرابی، 1394).

¹ جریان روانشناسی مدرن در یکصد سال اخیر شامل چهار «موج» بوده است. موج اول روانشناسی، نگرش «روانکاوانه» بود. موج

دوم روانشناسی، «رفتار گرایی» است. موج سوم روانشناسی، موج «وجودی» است. در این موج جنبه فلسفی روانشناسی بیشتر مدنظر